

# راهبرد آمادگی در برابر دشمن در خوانش آیه شصت سوره انفال

تاریخ دریافت: ۹۵/۹/۱۵

تاریخ تأیید: ۹۵/۱۱/۲۱

حمید نگارش \*

زهره جمالی زواره \*\*



راهبرد آمادگی در برابر دشمن در خوانش آیه شصت سوره انفال

خداوند در آیه شصت سوره انفال، مؤمنان را به آمادگی در برابر دشمن فرامی‌خواند. پرسش اصلی نگاشته حاضر چستی راهبردی است که می‌توان از این آیه برای آمادگی در برابر دشمن استخراج کرد. راهیابی به مقصود از واژگان کلیدی آیه، همانند اعداد، قوه، رباط الخیل، عدو و رهب می‌تواند استراتژی قرآن را در مقوله آمادگی در برابر دشمن گویاتر سازد. نگاشته حاضر می‌کوشد با رویکرد توصیفی - تحلیلی از داده‌های مطالعاتی، به روش کتابخانه‌ای و گونه تفسیر قرآن به قرآن، هدف کلان آیه و راهبرد برآمده از آن را با ارجاع لغوی و تفسیری و نیز بهره‌مندی از دلایل عقلی بیان کند. هدف از آمادگی، ایجاد گونه‌ای ترس مستمر، همراه با احتیاط، اضطراب و ذلت در گروه مقابل است که از مسیر آمادگی همه‌جانبه حکومت اسلامی و همچنین امت اسلامی فراهم می‌آید. در خصوص حیطة آیه، شمول آمادگی در برابر مطلق دشمنان، اعم از دشمنان آشکار و نهان از آن استفاده می‌شود. دامنه متعلق و لوازم شکل‌گیری آمادگی، همه عرصه‌ها را به تناسب شکل‌گیری غلبه بر دشمنان و عدم اجازه توفیق دشمنان بر جامعه و حکومت اسلامی دربرمی‌گیرد.

**کلیدواژگان:** آمادگی، قدرت، دشمن، نبرد، ترس، راهبرد.

\* استادیار پژوهشکده الاهیات و معارف پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق علیه السلام (hamid\_negareh@yahoo.com)

\*\* کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن (hekmat.jam.za@gmail.com)

## ۱. مقدمه

سخن از جنگ و نبرد گاه همراه و هم‌معنا با واژه «تجاوز» تصویر می‌شود و با این مغالطه، هرگونه نبرد و مبارزه‌ای نادرست و مرادف با خشونت تلقی می‌گردد و مبنای صلح فراگیر و دنیای بدون خشونت به‌عنوان یک اصل و باور، ساحت فکر و رفتارها را تسخیر می‌کند. آنچه به این نگاه حساسیت بیشتری می‌دهد، اعتراضی است که بر اساس این انگاره بر دین اسلام به دلیل طرح آموزه جهاد وارد می‌سازند و اسلام را دین جنگ معرفی می‌کنند. این نگاه با واقعیت‌های زمینی فاصله فراوانی دارد؛ چراکه زندگی در جوامع بشری و عالم طبیعت به دلیل جاذبه و دافعه امور، هیچ انسانی را از اینکه پیرو شهوت یا غضب باشد، ایمن نمی‌سازد. دشمن گاه از درون و زمانی از بیرون حمله‌ور می‌شود و آماده شدن و مسلح بودن در جهاد اصغر و اکبر، هر دو به حکم طبیعت، فطرت و شرع لازم است (نک: مطهری، ۱۳۷۹، ص ۳۷-۴۲؛ جوادی آملی، ۱۳۸۷، ص ۱۸۰).

مسئله جهاد و دفاع از مقولات پیچیده و اثرگذار بر معادلات سیاسی از نظر نگرش و عملکرد است. از میان مسائل مختلف مطرح در این حوزه، نگاشته حاضر می‌کوشد با نگرشی جامع به بررسی نگاه وحی را بر اساس این آیه نمایان سازد و اصول موجود در آیه را استخراج کند و ارائه دهد. پرسش محوری مقاله حاضر، چیستی نگاه دین به مقوله جهاد و توانمندی نظامی است. فرضیه نگاشته آن است که دین اسلام به جهاد با نگاه بازدارنده می‌نگرد و در اصلی دیگر، صرف تعاملات دیپلماتیک را برای رفع تهدیدهای گوناگون از جغرافیای اسلامی کافی ندانسته لزوم تجهیز و توانمندی کامل و به‌روز و بلکه برتری علمی و نظامی را برای پیشگیری از آسیب‌های احتمالی لازم و ضروری می‌شمرد؛ البته یکی از لوازم این اصل، ایجاد زمینه‌های سیاسی و تعاملات دیپلماتیک است، ولی باید توجه کرد این امر مقدمه و بسترساز اصلی والاتر، یعنی تقویت همه‌جانبه در عرصه‌های گوناگون است، نه نهایت و فرجام اندیشه اسلامی.

ضرورت تمرکز بر این آیه با توجه به تأکید مقامات سیاسی بر استفاده از راهبرد آیه آشکارتر می‌شود. از تصریحات مقام معظم رهبری، آماده نگه داشتن خود در برابر دشمن



به دستور قرآن است.<sup>۱</sup> ایشان مفهوم عمل به آیه شصتم سوره انفال را که از آن به «دستور قرآنی» تعبیر کرده است، عدم غافلگیری بیان داشته، اهمیت آن را از این نظر می‌داند که خسارت ناشی از غافلگیری در برابر دشمن، خسارت بر ملت و اسلام است.<sup>۲</sup> از این رو، نوشتار حاضر با شیوه کتابخانه‌ای و روش تحلیلی درصد بررسی آیه فوق و آشکار ساختن حیطة و ابعاد معرفتی این آمادگی از دیدگاه قرآن است تا تبیینی دقیق و جامع از مقصود آیه ارائه کند و راهبرد دینی و سیاسی را از موضوع آیه آشکار سازد. این امر در نهایت افزون بر نمایان ساختن نگاه قرآن، می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری نگرشی کلان و منسجم در جامعه ایمانی - اسلامی و نیز عمق‌یابی اندیشه افراد تصمیم‌ساز را فراهم سازد.

بررسی پیشینه تحقیقات صورت‌یافته در آیه شصتم سوره انفال نشان می‌دهد این مهم در قالب مقاله یا کتابی علمی مطرح نشده است و آنچه در این زمینه وجود دارد، سخنان مفسران قرآن در طول تاریخ تفسیر ذیل آیات وحی است که در بدنه اصلی مقاله حاضر به دیدگاه مفسران و برداشت‌های ایشان از واژگان کلیدی و سیاق آیه اشاره می‌کنیم. برای نیل به هدف مطرح‌شده، ابتدا به مرور کلی سوره انفال می‌پردازیم و آن‌گاه بر آیه پیش‌گفته متمرکز می‌شویم و سپس بر اساس دیدگاه مفسران و قراین و شواهد، به بررسی مهم‌ترین مسائل مرتبط با محتوا و مفهوم این آیه خواهیم پرداخت.

سوره انفال از سوره‌های مدنی قرآن و از نظر ترتیب نزول، هشتاد و هشتمین سوره نازل شده است (ر.ک: سالم و وفایی، ۱۳۸۵). نوشتار حاضر در این میان در مقام بررسی آیه شصتم این سوره می‌باشد:

وَأَعِدُّوا لَهُمْ مِمَّا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ

۱. «اما من به شما این را تأکید می‌کنم: از کید دشمنان نباید غافل بود؛ نه در این منطقه و نه در هیچ نقطه کشور. نظام اسلامی که با استکبار و ظلم جهانی پنجه درافکنده است، همیشه منتظر توطئه‌ها و ضربه‌ها و تعدی‌ها و تجاوزهای دشمنان باید باشد؛ خود را آماده نگه دارد. این دستور قرآنی است: وَأَعِدُّوا لَهُمْ مِمَّا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ». (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۲/۲۳).

۲. «مسئله عمل به آیه شریفه وَأَعِدُّوا لَهُمْ مِمَّا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ است. معنای این آیه این است که غافلگیر نشوید؛ معنایش این است که اگر چنانچه دشمنی به شما حمله کرد، شما بر اثر کمبود امکانات، کمبود سلاح و مهمات، کمبود آمادگی، خسارت تحمل نکنید که خسارت شما، خسارت ملت است؛ خسارت شما، خسارت اسلام است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۱/۳۰).





مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَوْفَ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ؛ و هرچه در توان دارید از نیرو و اسبهای آماده بسیج کنید تا با این [تدارکات] دشمن خدا و دشمن خودتان و [دشمنان] دیگری را جز ایشان که شما نمی‌شناسیدشان و خدا آنان را می‌شناسد، بترسانید و هرچیزی در راه خدا خرج کنید، پاداشش به خود شما بازگردانیده می‌شود و بر شما ستم نخواهد رفت (انفال: ۶۰).

پس از مرور آیه، برای نیل به مقصود دقیق آن، تشریح واژگان کلیدی این کریمه لازم است. برای رسیدن به این هدف، دیدگاه مفسران را ذیل واژگان اثرگذار در فهم آیه مطرح می‌کنیم و پس از بررسی به نقد و تحلیلشان می‌پردازیم.

## ۲. مفهوم و لوازم اعداد

نخستین بخش آیه، امر خداوند به آمادگی در حد استطاعت با بیان عبارت «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ» است. «اعداد» در واژه‌پژوهی به معنای آنچه فراهم می‌شود برای امری که اتفاق می‌افتد (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۷۹) یا همان آمادگی و آماده شدن توضیح داده شده است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۲۸۵). «استطاعت» مشتق شده از «طوع» به معنای میل و رغبت و ضد اکراه و تنفر (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۱۰) و قدرت و توانایی بر چیزی است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۲۴۲). «قوه» در لغت نقطه مقابل ضعف است و نیرومندی در بدن و عقل را دربرمی‌گیرد (همان، ج ۱۵، ص ۲۰۷) و به معنای سروسامان دادن و آمادگی نیز بیان شده است (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۲۳۶). «رباط» به معنای بستن (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۳۰۲) و محکم کردن در برابر نفوذ دشمن (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۷، ص ۴۲۲) و «الخیل» به معنای گروه اسبان (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۳۰۶) و گمان است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۲۲۶ و ۲۳۱). بنابراین «رِبَاطِ الْخَيْلِ» در مجموع بستن و محکم کردن گروهی اسب یا محکم کردن ظن و گمان است.

براین اساس، محتوای کلی آیه، اسباب آمادگی «قوه» و «رباط الخیل» در حد توانایی و قدرت و از سر میل و رغبت است. اما شناختیابی به مقصود از کاربرد واژگان قوه و رباط الخیل، رسیدن به مفهوم دقیق آیه را آشکار می‌سازد. از آن‌رو که سخنان مفسران ذیل این دو واژه گسترده و متفاوت است، ابتدا به آنچه مفسران در مسیر تاریخ تفسیر بیان داشته‌اند، می‌پردازیم و آن‌گاه دلایل تقویت دیدگاه برتر را بیان می‌کنیم.

## ۳. سیر اندیشه مفسران در تفسیر «قوه»

مفسران با توجه به روش تفسیری خود، منظور از «قوه» را در این آیه، گوناگون بیان

داشته‌اند یا آن را بر موارد گوناگونی تطبیق داده‌اند که آنها را برمی‌شماریم تا افزون بر نگاه مشترک در تمامی دیدگاه‌ها، ما را به خوانش صحیح از آیه راهنمایی سازند. تفاسیر صورت‌یافته بدین قرار است:

- نام بردن از برخی تجهیزات نظامی همانند شمشیر و سلاح (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۳۱۲؛ عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۲، ص ۶۶؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۰، ص ۲۲-۲۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۱۹۲-۱۹۸).

- نام بردن از برخی ظرفیت‌های اجتماعی همانند وحدت (طبرسی، ۱۳۷۲ق، ج ۴، ص ۸۵۲-۸۵۳).

- هر آنچه با آن جامعه اسلامی در برابر دشمن تقویت می‌شود (طوسی، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۴۸؛ علامه طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۱۱۴-۱۱۵؛ حقی بروسوی، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۶۵-۳۶۶؛ فخرالدین رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۵، ص ۴۹۹).

- یادکرد از امور معنوی همانند توکل و اعتماد به خدا (طبرسی، ۱۳۷۲ق، ج ۴، ص ۸۵۲-۸۵۳).

- مطلق نیرو (مصطفوی، ۱۳۸۰ق، ج ۱۰، ص ۴-۵).

- عوامل موفقیت در هنگامه نبرد (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۲۲۰-۲۲۱).

چنان‌که می‌بینیم، تفاوت نگاه مفسران در تبیین و مصداق «قوه» از نیرو گرفتن با خضاب مو با رنگ مشکی (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۶۵) تا مطلق نیرو را دربرگرفته است. به دیگر بیان، مفسرانی با تطبیق دادن قوه به مواردی خاص که یا از روایات استفاده شده یا محصول زمانه مفسران است، گاه تنها مواردی خاص، آن هم متناسب با شرایط نبرد و عصر خویش را ذیل آیه جای داده‌اند و گاه دامنه شمولی برای این واژه را لحاظ داشته، با نگاهی جامع به آیه نگریسته‌اند.

در کنار بیان مصادیق گوناگون برای واژه قوه، در گونه‌یابی آن نیز گفتارها متفاوت است و سخن از نیروی مادی همچون سلاح و شمشیر تا نیروی معنوی فردی مانند اعتماد به خدا و یا مصداق نیروی معنوی اجتماعی مثل وحدت مطرح شده است که به نظر می‌رسد این تفاوت‌ها بر اساس قاعده جری و تطبیق صورت یافته است. برخی به‌صراحت جغرافیای مفهومی این واژه را به موضوع جنگ محدود دانسته‌اند و برخی دامنه مقصودی آیه را فراتر از صحنه مبارزه و زدوخورد نظامی بیان داشته‌اند.

برای رسیدن به مفهوم آیه، باید توجه کرد که استطاعت سه گونه است: شرعی، عرفی و عقلی. در استطاعت شرعی، شارع مقدس افزون بر قدرت عقلی، شرط دیگری را





می‌افزاید. استطاعت عقلی به معنای امکان وجود خارجی یافتن یک پدیده و امر است؛ هرچند تحقق آن همراه با زحمت و مشقت باشد. استطاعت عرفی با معنای لغوی آن هماهنگ است و می‌توان گفت غالباً استطاعت عرفی با معنای لغوی یکسان در نظر گرفته می‌شود. درباره اینکه استطاعت مطرح در آیه، به کدام یک از گونه‌های استطاعت اشاره دارد، می‌توان گفت مقصود از استطاعت با توجه به شرایط و بستر تحقق هر پدیده و امری، متناسب با هر سه گونه آن باید محقق شود و خداوند امری فراتر از استطاعت شرعی از مخاطبان نخواست است.

اما درباره اینکه مصداق «قوه» و مقصود از آن کدام یک از مواردی است که مفسران بیان داشته‌اند، به صورت کلی می‌توان گفت با توجه به معنای لغوی قوه که در تضاد با ضعف است، این واژه هر نیرومندی را در خود جای می‌دهد و هر کس به اندازه توان خود باید اقدامی در جهت فراهم آوردن اسباب تقویت و آمادگی انجام دهد. براین اساس، «قوه» فراهم آوردن هر آن چیزی است که در حد توانایی برای آمادگی اثرگذار است و دامنه این مقوله با توجه به اهداف تبیین شده از این آمادگی روشن می‌شود.

#### ۴. سیر اندیشه مفسران در تفسیر «رباط الخیل»

مفهوم «رباط الخیل» و چرایی و معنای عطف آن بر «قوه» از نقاط مهم بررسی این عبارت است. مفسران دیدگاه‌های مختلفی درباره «رباط الخیل» بیان داشته‌اند که مهم‌ترین آنها را می‌توان در دو دسته جای داد:

الف) مرکب شامل اسب و غیر آن (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۳۱۲؛ فخرالدین رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۵، ص ۴۹۹؛ علامه طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۱۱۴-۱۱۵؛ شریف لاهیجی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۲۰۸-۲۰۹).

ب) همبستگی در راه خدا (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۹).

بیشتر موارد ذکرشده، به نوعی به صفتی منظم از مرکب اشاره دارد که گاه در آن به همبستگی در راه خدا نیز توجه شده است.

«رباط الخیل» در قرآن تنها یک‌بار به این شکل بیان شده است. «رباط» اسم مبالغه از ربط است (علامه طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۱۵۱) که نوعی کثرت به همراه دارد. واژه «رباط» و مشتقات آن در قرآن به غیر از آیه فوق، در سه آیه دیگر به کار رفته است که همگی بیان‌کننده محکم کردن دل است و مستقیماً به قلب اشاره دارد. یکی، در آیه یازده سوره انفال که امدادهای غیبی خداوند در جنگ بدر بیان شده است. دوم، در آیه دهم

سوره قصص درباره مادر حضرت موسی پس از به آب انداختن فرزندش و سوم، در خصوص اصحاب کهف در آیه چهاردهم سوره کهف. در تمامی این موارد، نوعی تقابل جبهه حق و باطل و یاری خدا در ثابت قدم بودن جبهه حق در برابر دشمن بیرونی یا درونی بیان شده است.

«خیل» در قرآن پنج بار تکرار شده است که یکبار آن به معنای اسب و در مفهوم تلاش و کارزار به کار رفته است. بار دیگر به صورت اضافه و به معنای سربازان جنگی، یکبار به صورت مرکب و بار دیگر با صفت «المسومه» به معنای مرکب و زینت دنیایی و مصداق دوستی شهوات به کار رفته است. ارتباطی مشترک میان «قلب» و «خیل» وجود دارد که این امر معنای لغوی «خیل» را با ظن و گمان سازگارتر می‌سازد و در این صورت، هر دو (قلب و خیل) در مصداقی از حالت‌های درونی بودن مشترک خواهند بود. براین اساس، رباط الخیل محکم کردن قلب‌ها و باورها با یاری خداوند است که به حقیقت توکل اشاره دارد و مقدم شدن «قوه» مؤید این معناست. مؤمنان ضمن اینکه هرچه توان دارند در جهت آنچه برای آمادگی لازم است فراهم می‌کنند، ولی نگاه خود را به قوانین پیدا و پنهان و عنایت خدا بر نمی‌دارند و به ریشه داشتن تمام قدرت‌ها در قدرت مطلق خداوند باور دارند.

اینکه واژه مطلق و عامی همانند «قوه» بر «رباط الخیل» عطف شده است و حکم، هر دو را شامل می‌شود نیز قابل تأمل و مؤید این کلام است. بیشتر مفسران در بیان علت عطف این خاص چیزی نگفته‌اند. حقی بروسوی پس از آنکه به ذکر روایاتی در فضیلت اسب و نگهداری آن می‌پردازد، عطف خاص را بر عام از نوع بیان یا تخصیص و عطف آن را بر «قوه» به دلیل برتری این گونه بر دیگر انواع قوه می‌داند (حقی بروسوی، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۶۵-۳۶۶). شریف لاهیجی علت عطف این خاص را بر عام، عظمت و تأثیر این ابزار در جنگ می‌داند و ادامه می‌دهد که این مطلب زمانی صحیح است که قوه را به معنای عام بدانیم، نه معنای تصریح شده در روایات (شریف لاهیجی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۲۰۸-۲۰۹). نویسندگان تفسیر نمونه دلیل آن را دستوری خاص برای عصر پیامبر و مثالی برای روشن شدن مفهوم کلی آیه بیان داشته است؛ چراکه آیه فوق در بردارنده دستوری وسیع برای همه قرون و اعصار است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۲۲۱-۲۲۴).

به راستی علت این نوع عطف چیست و آیا رباط الخیل، تنها مثالی برای روشن شدن مفهوم گسترده آیه و مصداقی از آن است یا فضیلت و برتری این خاص را بیان می‌کند؟





فایده این گونه عطف در زبان عربی، اظهار فضل و برتری «خاص» است؛ گویا خاص از جنس عام نیست؛ یعنی گویا خاص از جمله جدا و به تنهایی ذکر شده است (سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۳، ص ۲۴۰). بنابراین، ادعای ذکر این خاص به دلیل فضیلت و اثر آن، مؤیدی دیگر بر خوانش صورت یافته از رباط الخیل است که در قرآن کریم این ویژگی برای مؤمنان دانسته شده که ملازم با ایمان به خداست: «وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» (آل عمران: ۱۲۲). در نتیجه، مفهوم رباط الخیل می‌تواند بخشی از تجهیزات نظامی یا استحکام باور و ایمان باشد که با شواهد مطرح شده، دیدگاه دوم تقویت شد.

### ۵. آمادگی نظامی یا آمادگی مطلق

پس از بررسی واژگان کلیدی بخش نخست آیه و شناخت مفاهیم آن، نخستین پرسش این است که: آیا منظور از این آیه، آمادگی نظامی در برابر دشمن است یا مطلق آمادگی؟ بیشتر مفسران با توضیح خود از عبارتهای ابتدایی آیه، منظور از آن را آمادگی نظامی دانسته‌اند، ولی در شرح و توضیح عبارتهای بعدی، نگاهی توسعه‌ای داشته‌اند. «قوه» و «رباط الخیل» تنها واژگانی هستند که ممکن است آنها را قرینه‌ای برای آمادگی نظامی بدانیم، ولی با آنچه پیش‌تر گفتیم، به دست آمد که پذیرش محدود شدن مقصود آیه به مسائل نبرد نظامی دشوار است. از این رو، علامه طباطبایی درباره مفاد آیه می‌نویسد:

به حکم فطرت بر جامعه اسلامی واجب است همیشه و در هر حال تا آنجا که می‌تواند و به همان مقداری که احتمال می‌دهد دشمنش مجهز باشد، مجتمع صالح را مجهز کند (علامه طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۱۵۳-۱۵۵).

پرسشی که اینجا می‌تواند به فهم مقصود آیه کمک کند، این است که: آیا نزاع بین ملت‌ها همیشه نظامی است و آیا آمادگی نظامی می‌تواند تمام منافع یک ملت را در برابر حکومت‌های سرکش و استعمارگر حفظ کند؟ تجربه بشری نشان می‌دهد پاسخ منفی است. در نتیجه، از آنجا که دفاع هرگز در دفاع نظامی منحصر نمی‌شود، به‌ویژه در عصر حاضر که عصر جنگ نرم است، با توجه به قاعده جری و تطبیق، آیه نمی‌تواند در آمادگی نظامی انحصار داشته باشد؛ هر چند مصداق روشن و ضروری این آمادگی را می‌توان آمادگی همه‌جانبه نظامی و دفاعی دانست.

سنت و سلوک رفتاری رسول خدا ﷺ نیز که ترجمان وحی است، بر عمل مطابق این دستور آیه، یعنی آمادگی از جنبه‌های گوناگون گواهی می‌دهد. برای نمونه، معروف است که در ایام جنگ حنین به رسول خدا ﷺ خبر دادند سلاح مؤثر و جدیدی در یمن اختراع



شده است. این گزارش که خود حاکی از رصد اطلاعاتی از سوی گروه اطلاعاتی ایشان است، بدان انجامید که آن حضرت کسانی را به یمن فرستاد تا آن سلاح را برای ارتش اسلام تهیه کنند (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۲۲۵)؛ همچنان که ایشان بخشی از بودجه حکومت نوبنیاد اسلامی را صرف مجهز کردن سربازان خود می کرد تا در صورت هجمه دشمن، افزون بر غافلگیر نشدن، موجب تلفات انسانی بیشتر نشود. ایشان پس از پیروزی بر بنی قریظه، خمس اموال را به زید داد تا به نجد برود و با فروش آن، اسب و سلاح و سازوبرگ جنگی فراهم آورد. همچنین آن حضرت از پسرعموی خود، نوفل بن حارث بن عبدالمطلب که تاجر اسلحه بود، به عنوان فدیة اسارت در جنگ، هزار سرنیزه گرفت (جمشیدی، ۱۳۸۸، ص ۱۴۸-۱۲۱).

#### ۶. هدف و گستره اعداد

دومین بخش آیه «تَرْهَبُونَ بِهٖ عَدُوَّ اللّٰهِ وَعَدُوَّكُمْ وَأَخْرَبْنَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللّٰهُ يَعْلَمُهُمْ» است. «رهب» در لغت به معنای ترس (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۴۳۶) و ترساندن (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۴۷) است. بیشتر مفسران اختلاف نظر خاصی جز ضمیمه کردن برخی ویژگی‌ها به ترس ندارند، ولی می توان دیدگاه ایشان را در موارد ذیل تفکیک کرد: الف) تخوفون به معنای ترساندن (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۳۱۲؛ علامه طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۱۱۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۸۵۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۲۲۵).

ب) ترساندن به واسطه آمادگی (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۹؛ حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۳۶۸؛ شریف لاهیجی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۲۰۸-۲۰۹؛ حقی بروسوی، بی تا، ج ۳، ص ۳۶۶؛ فخرالدین رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۵، ص ۵۰۰؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۱۲، ص ۲۷۵).

ج) خوف مستمر (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۱۰، ص ۵-۴).

د) «تخزون به» یعنی خواری و زبونی و ذلت دشمن (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۰، ص ۲۳).

ه) ترس همراه با احتیاط و اضطراب (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۲۲۲).

در نتیجه، «رهب» نوعی ترس مستمر و همراه با احتیاط و اضطراب است که به دلیل آمادگی گروه مقابل (یعنی اهل ایمان) پدید می آید. مضارع بودن فعل «رهب» در آیه، استمرار این ترس را تأیید می کند. با توجه به اینکه از نظر اعراب (دعاس، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۴۳۶) عبارت «ترهیبون» حال برای فاعل «اعدوا» یا حال برای مفعول «اعدو»، یعنی





«ما»ی موصوله است، تعلیلی بر عبارت قبل به شمار می‌آید، مبنی بر اینکه آمادگی باید به‌گونه‌ای باشد که موجب ایجاد «رهب» در گروه هدف شود؛ وگرنه آمادگی موردنظر نخواهد بود.

اعداد و آمادگی که ثمره آن رهب است، از انجام شدن آنچه از گروه مقابل مورد انتظار است، جلوگیری می‌کند و حکم پیشگیری از این رخداد را دارد و مزیت‌های پیشگیری بر هیچ‌کس پوشیده نیست. لازمه استمرار در رهب، برتری هدفمند و طولانی‌مدت است که اعدادی برنامه‌ریزی شده و آینده‌نگر می‌طلبد. گستره اعداد همه افراد جامعه اسلامی را دربرمی‌گیرد (عام بودن اعدوا) و باید از هیچ‌کدام از نیروها غافل نشد. با توجه به هدف ترسیمی از آمادگی، می‌توان گستره و جغرافیای «من قوه» را فهم کرد؛ چراکه برنامه‌ریزی برای هدفی مستمر و بلندمدت همچون ایجاد ترس و وحشت در گروه مقابل، مستلزم امر به بسیج نیرو و استفاده از تمامی ظرفیت‌ها برای غلبه بر تمامی تهدیدهاست.

لازمه ارهاب مستمر آن است که جامعه اسلامی همیشه برتر و پیشرفته‌تر از گروه ارهاب‌شده باشد؛ همچنان که لازمه برنامه‌ریزی بلندمدت برای ارهاب مستمر گروه هدف، شناخت صحیح همه جوانبی است که در این برنامه مؤثر است و آن، شناخت وضعیت گروه هدف است؛ آن هم در حدی که قدرت پیش‌بینی شرایط آینده و برنامه‌ریزی برای پیشگیری از اقدام آنان وجود داشته باشد. براین اساس، برتری سیاسی با در اختیار داشتن اطلاعات دقیق از ظرفیت‌های درونی و آگاهی از وضعیت دشمن، برتری اقتصادی با سندهای چشم‌انداز و برتری فرهنگی با تولید برنامه‌های متناسب، همگی می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری آمادگی همه‌جانبه مطرح در آیه باشد تا در سایه این آمادگی، جسارت تعرض به جامعه اسلامی از دشمن گرفته شود و امنیت در جنبه‌های گوناگون آن فراهم آید. بدین ترتیب، بر اساس قاعده جری و تطبیق و ذکر مصادیق گوناگون ذیل آیه که نشان‌دهنده گستره مفهومی و امکان تطبیق مصادیق گوناگون بر آن است، حاصل مباحث مطرح‌شده را می‌توان این‌گونه بیان داشت: آمادگی مطرح در آیه را که نتیجه آن شکل‌گیری ارهاب در طمع‌ورزان است، نمی‌توان محصور در آمادگی نظامی دانست؛ چراکه اطلاق و عمومیت آیه، مانع از سطحی‌نگری و اختصاص آیه به محوری از محورها به شمار می‌آید.

پیامد ارهاب اصیل در برابر ارهاب باطل، ترساندن دشمنان خدا و دشمنان مسلمانان است؛ به‌گونه‌ای که جرئت جسارت و تهدید مسلمانان و یاری کردن دیگر دشمنان را



نداشته باشند و با یأس از غلبه بر اهالی ایمان، زندگی مسلمانان امنیت و کرامت بیابد. این آمادگی، اگرچه بر مجموعه مؤمنان واجب است، اطمینان خاطر برای کسانی است که به دین خدا داخل می‌شوند و ترسی است برای فرصت‌طلبان. پس به روزی که گسترش اسلام متوقف شود، نمی‌اندیشند و این به آزادی انسان از بند عبودیت انسان، و البته عبودیت خالق انسان خواهد انجامید و زمینه گسترش اسلام و ایجاد تمدن جهانی اسلامی را فراهم خواهد ساخت. در حقیقت این راهبرد، تنها راهبردی است که می‌تواند برای نظام اسلامی و منافع ملی در عرصه‌های گوناگون، به‌ویژه در عرصه سیاسی و دیپلماسی (چانه‌زنی‌های بین‌المللی) دستی برتر فراهم سازد؛<sup>۱</sup> راهبردی که رهبری معظم مبتنی بر آیات وحی، از آن به لزوم کسب قدرت در همه عرصه‌ها تعبیر می‌کند. به دیگر بیان، آمادگی در هر عرصه، به فراهم آمدن قدرت در آن حوزه تبدیل می‌شود. ایشان در جایگاه علم برای کسب آمادگی و اقتدار می‌فرماید:

علم قدرت است. یک ملت برای اینکه راحت زندگی کند، عزیز زندگی کند، با کرامت زندگی کند، به قدرت احتیاج دارد. عامل اصلی که به یک ملت اقتدار می‌بخشد، علم است<sup>۲</sup> (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۵/۱۵)

آیت‌الله خامنه‌ای به تلاش دشمنان برای سلب مؤلفه‌های آمادگی و کسب قدرت نیز توجه و درباره آن احساس خطر می‌کند. (همو، ۱۳۹۴/۱۱/۱۹) همچنین ایشان اصل آمادگی و کسب توانایی لازم را برای غلبه بر سیاست‌های مخالفان، افزون بر دستور وحیانی، اصلی عقلی و میدانی معرفی می‌نماید و می‌فرماید: «یک ملت اگر به قدرت خود، به توانایی‌های خود متکی بود، دیگر از احم یک کشور، از تحریم یک کشور متلاطم نمی‌شود» (همو، ۱۳۹۲/۸/۱۲).

## ۷. کیستی عدو

اما آنچه به وسعت نگاه آیه و عمل به دستور آمادگی عمق می‌بخشد، دانستن کیستی عدو

۱. رهبر معظم انقلاب در این زمینه می‌فرماید: «آدم وقتی احساس قدرت می‌کند، یک‌جور مذاکره می‌کند، وقتی احساس ضعف و احتیاج می‌کند، یک‌جور مذاکره می‌کند» (بیانات رهبری در دیدار جمعی از کارگران سراسر کشور در تاریخ ۱۳۹۴/۲/۹)؛ نیز نک: بیانات رهبری در حرم مطهر رضوی در تاریخ ۱۳۹۳/۱/۱.

۲. ایشان در بیانی دیگر تأکید خود را بر قدرت ملی متذکر می‌شود. نک: بیانات رهبری در دیدار شاعران در تاریخ ۱۳۹۲/۵/۱.



است. عدو در لغت به معنای متجاوز و دشمن است (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۱۳۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، ص ۳۳). دیدگاه‌های مفسران درباره مقصود از «عدو الله و عدوکم» عبارت‌اند از:

الف) بخش خاصی از دشمنان همانند مشرکان مکه یا کفار عرب (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۳۱۲؛ طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۹؛ شریف لاهیجی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۲۰۸-۲۰۹؛ حقی بروسوی، بی تا، ج ۳، ص ۳۶۶).

ب) دشمن آشکار (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۳، ص ۴۹۹-۵۰۰).

ج) دشمن دین و رسول خدا (علامه طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۱۱۶؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۱۲، ص ۲۷۷-۲۷۸).

برای رسیدن به دیدگاه جامع و دقیق از این قسمت از آیه، لازم است به واژه «عدو» در قرآن نظر کنیم. این واژه ۴۳ بار در قرآن به کار رفته است که ترکیب «عدو الله» تنها در همین سوره دیده می‌شود. از طرفی، در دو آیه از قرآن ترکیب «عدو لله» وجود دارد. مطابق آیه ۱۱۴ سوره توبه و بررسی دوزخیان در قرآن، روشن می‌شود دشمن خدا (عدو الله) مشرکانی هستند که به آیات خدا کافرند و این کفرشان همراه با تکذیب و ناتوان جلوه دادن آیات خداوند است و بیان مفسران بیشتر ناظر بر مصادیق این ادعا می‌باشد. اما درباره «عَدُوکُمْ» در آیه یک سوره ممتحنه، خداوند مؤمنان را از دوست گرفتن دشمن خود و خودشان (عدوکم) منع می‌کند و در توصیف آنها بیان می‌دارد که آنان کسانی هستند که حقی را که به جانب شما آمده بود، انکار کردند و شما و پیامبر را به واسطه ایمان به خدا از مکه بیرون راندند. در تعداد قابل توجهی از آیات نیز از شیطان با تعبیر «لکم عدو» یاد شده است (بقره: ۱۶۸ و ۲۰۸؛ انعام: ۱۴۲؛ یس: ۶۰؛ زخرف: ۶۲). بنابراین، با دقت در آیات پیش گفته و ضمیمه کردن دیدگاه مفسران، مقصود از «عدوکم»، دشمنانی هستند که به دلیل ایمان و طرفداری جبهه حق و تلاش برای راندن انسان از جایگاهی که به آن تعلق دارد، به دشمنی پرداخته‌اند. اما آیه افزون بر طرح عدو که جغرافیای آمادگی را نمایان می‌سازد، در بخش دوم افزوده‌ای دارد که این آمادگی را افزون بر دشمن آشکار، به دشمن پنهان هم گسترش می‌دهد.

#### ۸. مصداق «آخرین من دونهم لا تعلمونهم الله يعلمهم»

در بیان مصداق «آخرین من دونهم لا تعلمونهم الله يعلمهم» دیدگاه‌هایی بیان شده است که عبارت‌اند از:

- الف) دیگر کفار (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۳۱۲؛ طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۹؛ طوسی، بی تا، ج ۵، ص ۱۴۸-۱۴۹؛ ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۱۴۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۸۵۳).
- ب) منافقان دیگر بلاد (شریف لاهیجی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۲۰۸-۲۰۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۲۲۶-۲۲۷؛ فخرالدین رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۵، ص ۵۰۰؛ علامه طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۱۱۶؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۱۲، ص ۲۷۷-۲۷۸).
- ج) دشمن ناآشکار (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۳، ص ۴۹۹-۵۰۰).
- د) اجنه (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۰، ص ۲۳؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۲۲۲).
- ه) شیاطین (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۱۹۸-۱۹۹).

مفسران در اینکه منظور از «وَأَخْرَيْنَ مِنْ دُونِهِمْ لَّا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ» چه کسانی هستند، دیدگاه‌های متفاوتی ارائه کرده‌اند. بر اساس دیدگاه برخی مفسران، مقصود، دشمنان از جنس جن هستند. حقیقت جن و جنیان طبق آیات قرآن قابل پذیرش است، ولی در رد و پذیرش این ادعا که منظور از دشمنانی که ناشناخته‌اند، جنیان هستند، باید گفت طبق قسمت ابتدایی آیه که خداوند انسان را به تلاش و آمادگی در برابر دشمن فرمان می‌دهد و ابزار و آلات مادی بر جنیان اثر ندارد، مطابق گفته فخرالدین رازی کلام معقولی به نظر نمی‌رسد (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۵، ص ۵۰۰). با توجه به تعبیر عام «وَأَخْرَيْنَ مِنْ دُونِهِمْ لَّا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ» گویا بهترین تعبیر، دشمنان ناشناخته است و طبق فرموده علامه طباطبایی «آن افرادی که مؤمنان ایشان را نمی‌شناسند». افزون بر منافقی که مؤمنان را به عداوت تهدید می‌کند و مؤمنان از خطر او بی‌خبرند؛ چون در میان مؤمنان علامت و امتیازی نداشته، در لباس آنان و در پوشش ایشان با خود ایشان نماز می‌خواند و روزه می‌گیرد و به حج می‌رود و به حسب ظاهر جهاد می‌کند، بلکه غیرمنافقان، یعنی کفاری را هم که مؤمنان هنوز مبتلای به آنان نشده‌اند، دربرمی‌گیرد (علامه طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۱۱۶). از این گروه در ادبیات دوره پیش به «منافقان» و در ادبیات سیاسی امروز به «نفوذی‌ها» تعبیر می‌کنند. از این رو، می‌توان مصداق این بخش آیه را جریان نفوذ و تهدید برآمده از پروژه نفوذ دانست.

در واقع آن‌گاه که نفوذی‌ها توان و قوه مسلمانان را می‌بینند، آرزویشان در مغلوب کردن اهل ایمان قطع می‌شود و این موجب راندن آنها به سمت ترک کفر از قلب‌ها و باطنشان و اخلاص در ایمان آنها می‌گردد. افزون بر این، عادت منافقان فرصت‌طلبی در آشکار شدن ضعف‌ها و نقشه برای ایجاد فساد و تفرقه بین مسلمانان است. بنابراین، زمانی که





اهل ایمان را در نهایت قوت ببینند، این افعال ناپسند را ترک خواهند کرد (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۵، ص ۵۰۰). از این رو، کسب آمادگی افزون بر شکل‌دهی به قدرت، مانعی از عوامل تهدیدآفرین و آسیب‌زا نیز پدید می‌آورد.

در نتیجه، تمامی شواهد نشان می‌دهد آیه مطلق دشمنان را دربرمی‌گیرد و هیچ دشمنی برای گروه مؤمنان قابل تصور نیست که از این حیطة خارج باشد و لازمه این گستردگی مصداق دشمن، لزوم استراتژی دقیق و پویا در برابر تمامی دشمنان و وجود برنامه‌های مناسب در همه سطوح است. از این رو، شاید با اینکه خطاب در آیات قبل و آیات بعد خطاب متوجه شخص رسول خدا ﷺ است، علت اینکه خطاب در این آیه متوجه عموم مردم شد، این باشد که حکومت اسلامی، حکومتی انسانی است؛ به این معنا که حقوق همه افراد را رعایت می‌کند و به خواسته‌های آنان احترام می‌گذارد، نه اینکه خواسته‌های افراد را فدای خواسته یک نفر یا اکثریت کند. پس چون چنین است، دشمن منافع جامعه اسلامی، دشمن منافع تمامی افراد است و بر همه افراد است که قیام کنند و دشمن را از خود و از منافع خود دور سازند و باید برای چنین روزی نیرو و توان تهیه کنند تا بتوانند منافع خود را از خطر دست‌برد دشمن نگهدارند. البته پاره‌ای از ذخیره‌های دفاعی وجود دارد که تهیه آن جز از عهده حکومت‌ها بر نمی‌آید، لیکن پاره‌ای دیگر هم هست که مسئول تهیه آن خود افرادند؛ چون حکومت هر قدر هم نیرومند و دارای امکانات فراوانی باشد، به افراد مردم نیازمند است. پس مردم هم باید پیش‌تر فنون جنگی را بیاموزند و خود را برای روز مبادا آماده کنند. بنابراین، تکلیف «و اعدوا» تکلیف به همه است و تجهیز قوا برای غرض دفاع از حقوق مجتمع اسلامی و منافع حیاتی آن است و تظاهر به آن تجهیزات، دشمن را اندیشناک می‌کند که خود تا اندازه‌ای و به نوعی گونه‌ای دفاع است (نک: علامه طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۱۵۳-۱۵۵).

### نتیجه

با توجه به بررسی‌های انجام شده، می‌توان نتیجه گرفت خداوند در آیه شصت سوره انفال، با دعوت حکومت اهل ایمان و نیز تمامی مؤمنان به آمادگی (وَأَعِدُّوا لَهُمْ) و فراهم آوردن اسباب مادی و معنوی (روحی و ایمانی) آن (مَنْ قُوَّةٌ وَمِنْ رَبَّاطِ الْخَيْلِ) در جهت ارهاب و ممانعت از اقدام گروه دشمنان (تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَأَخْرَيْنَ مِنْ دُونِهِمْ لَأَتَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ) و با معرفی مرجع تأمین سرمایه‌های لازم برای آمادگی (وَمَا تَنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ) و ایجاد و تقویت و ثبات انگیزه این آمادگی (يُوفِّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا

تُظَلْمُونَ) مؤمنان را به اصول مهمی رهنون می‌سازد که حاصل آن، حفظ اقتدار و عزت ایشان و جامعه اسلامی‌شان است. اگرچه مقصود از آیه نمی‌تواند تنها آمادگی نظامی باشد، با توجه به صراحت برخی مفسران به آمادگی نظامی و استناد به برخی احادیث، آمادگی نظامی به‌عنوان مصداق مهم و انکارناشدنی این آیه قابل استنتاج است. در مجموع می‌توان اصول مهمی را در مقوله اقتدار و عزت جامعه و حاکمیت اسلامی از آیه استخراج کرد که مهم‌ترین آنها بدین قرار است:

• آمادگی به‌لحاظ اثبات عمومیت آیه، جهات مختلفی را دربرمی‌گیرد که یکی از مهم‌ترین مصادیق آن، آمادگی نظامی است، اما منحصر به آن نمی‌شود. از این‌رو، آمادگی اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و امنیتی، زمینه‌ساز شکل‌گیری رهب و ترس دشمن از انجام حمله نظامی خواهد بود.

• در اسلام دفاع و بازدارندگی اصالت دارد، نه جنگ؛ چراکه آیه، علت و هدف آمادگی را ترساندن دشمن می‌داند؛ ترسی مستمر، دلیل‌کننده و مانع از اقدام گروه مقابل.

• «قوه» و «رباط الخیل» نشان‌دهنده آن است که اگر قرار است صلحی باشد، باید بر اساس نیرو و قدرت باشد؛ قدرتی همه‌جانبه، ولی با تکیه بر قدرت الهی.

• گروهی از مفسران «قوه» و «رباط الخیل» را مصداقی از ابزارآلات جنگی دانسته‌اند و ضمیمه سیره رسول خدا ﷺ نیز مؤید تهیه ابزارآلات به‌روز از دیگر کشورهاست. از این‌رو، ابزارآلات دفاع نظامی باید روزآمد باشد و حتی اگر لازم است از کشورهای دیگر تهیه شود.

• به‌کارگیری شیوه‌های مختلف آمادگی برای تقابل و نیز توجه به نیازهای جغرافیایی و تناسب آن در تهیه و فراهم آوردن تجهیزات جنگی و دفاعی دریایی، زمینی، کوهستانی، در زمین هموار و دشت و ریگزار و بیابان‌های سخت و بی‌آب و علف ضرورت دارد.

• صرف بودجه و مالیات و خزانه اسلامی در امور مربوط به دفاع و امنیت مشروع و لازم است.

• تهیه (اعم از خرید و تولید) و فراهم کردن انبوه تجهیزات نظامی و دفاعی پیش از ورود به دفاع یا نبرد ضروری است.

• راهبرد ارهاب می‌طلبد حکومت اسلامی به توانمندی‌های بومی و اختصاصی برای غافلگیر کردن و ایجاد ترس در دشمنان آشکار و نهان مجهز باشد.

• هدف‌گذاری ایجاد ترس در دشمن، اقتضا دارد متناسب با شرایط زمانه، اولویت‌های لازم

- در شکل‌دهی به این هدف انجام پذیرد.
- تشکیل کمیته‌ها و مؤسسات کمک به تقویت بنیه نظامی و دفاعی (وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ مَشْرُوعٌ وَنَاسِبٌ أَسْت).





## منابع

- قرآن مجید.
- آلوسی، محمود (۱۴۱۵ق)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق علی عبدالباری عطیة، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ نخست.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر، چاپ سوم.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ق)، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، تحقیق محمدجعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷)، *مبایذ اخلاق در قرآن* (تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۹)، قم: اسراء.
- جمشیدی، حسن و سیده نرگس تنهایی (۱۳۸۸)، «اقدامات تأمینی و نظامی پیامبر»، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، شماره ۷۵.
- حسینی شاه‌عبدالعظیمی، حسین بن احمد (۱۳۶۳)، *تفسیر اثنا عشری*، تهران: انتشارات میقات، چاپ نخست.
- حقی بروسوی، اسماعیل (بی تا)، *تفسیر روح البیان*، بیروت: دارالفکر.
- خامنه‌ای، سیدعلی، (۸۸/۲/۲۳)، (۹۲/۵/۱)، (۹۲/۸/۱۲)، (۹۳/۱/۱)، (۹۴/۱/۳۰) و (۹۴/۱۱/۱۹)، بیات مقام معظم رهبری، در:
- <http://farsi.khanmenei.ir>
- دروزه، محمد عزه (بی تا)، *التفسیر الحدیث: ترتیب السور حسب النزول*، بیروت: دارالغرب الاسلامی.
- درویش محیی‌الدین (۱۴۱۵ق)، *اعراب القرآن و بیانه*، سوریه: دارالارشاد، چاپ چهارم.
- دعاس حمیدان قاسم (۱۴۲۵ق)، *اعراب القرآن الکریم*، دمشق: دارالمنیر و دارالفارابی، چاپ نخست.
- سالم، ناهید و مهدی وفایی (۱۳۸۵)، *شناسنامه سور قرآن کریم*، مصحح محمدرضا کمالی، قم: وفایی، چاپ دوم.
- سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمان (۱۴۱۶)، *الاتقان فی علوم القرآن*، تحقیق: سعید المندوب، لبنان: دارالفکر.
- \_\_\_\_\_ (بی تا)، *ترتیب سور القرآن*، تحقیق سید جمیلی، بیروت: دار و مکتبه الهلال.



- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۴ق)، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- شریف لاهیجی، محمد بن علی (۱۳۷۳)، تفسیر شریف لاهیجی، تحقیق میر جلال‌الدین حسینی ارموی، تهران: دفتر نشر داد، چاپ نخست.
- شمشیری، عبدالکریم و محمد سهیلی‌پور (۱۳۹۲)، راهنمای پیدا نمودن هر آیه با ترتیب الفبایی کلمات، اصفهان: شهید حسین فهمیده، چاپ نخست.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۳۶۵)، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی، چاپ دوم.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷)، تفسیر جوامع الجامع، تهران: انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، چاپ نخست.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، با مقدمه محمدجواد بلاغی، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفة، چاپ نخست.
- طوسی محمد بن حسن (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق احمد قصیر عاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عبدالباقی، محمدفؤاد (۱۳۹۱)، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، قم: نوید اسلام، چاپ دهم.
- عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، تفسیر نور الثقلین، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، قم: انتشارات اسماعیلیان، چاپ چهارم.
- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، کتاب التفسیر، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: چاپخانه علمیه.
- فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق)، کتاب العین، قم: انتشارات هجرت، چاپ دوم.
- فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۵ق)، تفسیر الصافی، تحقیق حسین اعلمی، تهران: انتشارات الصدر، چاپ دوم.

- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷)، تفسیر قمی، تحقیق سید طیب موسوی جزایری، قم: بی‌نا، چاپ چهارم.
- مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴ق)، تفسیر الکاشف، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ نخست.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ نخست.
- مصطفوی، حسن (۱۳۸۰)، تفسیر روشن، تهران: مرکز نشر کتاب، چاپ نخست.

